





دانشگاه امام صادق

دانشکده معارف اسلامی و حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق

گرایش حقوق خصوصی

مبانی، احکام و آثار وصیت بر شخص حقوقی

استاد راهنما:

دکتر علی رضا عالی پناه

استاد مشاور:

دکتر سید مصطفی سعادت مصطفوی

دانشجو:

محمدصادق اصغری زرگرآبادی

شهریور ۱۳۹۹

❖ واگذاری امتیازات حقوقی اثر

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و نظایر آن‌ها از این «پایان‌نامه کارشناسی ارشد» برای دانشگاه امام صادق «علیه‌السلام» محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه امام صادق (ع)

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای محمد مصباحی به شماره دانشجویی ۹۱۳۱۰۱۸ با عنوان مبانی احکام و آثار وصیت بر ائمه معصومین را از نظر شکل و محتوای بررسی نموده و صلاحیت این پایان نامه را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد ایشان تأیید می کنند.

الف) پایان نامه فوق با نمره به عدد: (از ۱۸) به حروف: به تصویب رسید.

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	محل امضا
(۱) استاد راهنما:	محمد رضا سجادی	استادیار	
(۲) استاد مشاور ۱:	محمد مصطفی صالحی	استادیار	
(۳) استاد مشاور ۲:
(۴) استاد داور:	عاصم کریمی	

ب) نمره مقاله مستخرج از پایان نامه (بر اساس مستندات) به عدد (از ۱۰۵ نمره) به حروف صفر

ج) نمره روند نگارش پایان نامه (گزارش های سه ماهه) به عدد (از ۱ نمره) به حروف یک

پایان نامه با نمره نهایی به عدد ۱۷ (از ۲۰) به حروف هفده تمام و با درجه خوب

تاریخ و امضای معاینات تکمیلی

❖ چکیده

«وصیت» از جمله نهادهای فقهی و حقوقی است که مورد تأکید و سفارش فراوان قرار گرفته است و در آثار فقهی به احکام آن پرداخته شده است. قانون مدنی نیز بر مبنای رویکرد فقه اسلامی به بیان احکام متناظر با وصیت پرداخته است. لکن علی‌رغم ذکر بسیاری از فروع و مسائل بحث وصیت در آثار فقهی، قانون‌گذار از بیان آن‌ها ساکت است. این در حالی است که با توجه به تبرعی بودن این نهاد و همچنین اجرایی شدن آن در زمان فوت موصی، دقت در بیان جزئیات احکام آن ضرورت دارد تا موجب ابهام و سردرگمی یا مطرود شدن نهاد مذکور به واسطه عدم تبیین احکام نشود. در این میان از جمله مسائل جدیدی که در میان آثار فقهی نیز رد پایی از آن یافت نمی‌شود بحث از جواز وصیت بر اشخاص حقوقی، احکام و آثار چنین وصیتی است. اهمیت بررسی این موضوع بدین خاطر است که اشخاص حقوقی از جمله نهادهای حقوقی مهم روزگار ماست که اهمیت فراوانی در تعاملات اجتماعی یافته و استفاده از کارکردهای آن می‌تواند در تقویت احکام اسلامی و تعاون میان مسلمین مؤثر واقع شود.

لذا در این مجال؛ با توجه به آنکه بررسی تفصیلی وصیت بر اشخاص حقوقی تا آنجا که مورد بررسی قرار گرفت فاقد پیشینه‌ی فقهی است و تنها در میان آثار حقوقی جدید بدان اشاره شده است؛ مبنای، احکام و آثار چنین وصیتی در اقسام وصایای تملیکی و عهدی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. بر این اساس ضمن تبیین مبنای خود در ماهیت و اهلیت مستقل اشخاص حقوقی به بررسی شرایط و اوصاف مذکور برای وصی در آثار فقهی پرداخته‌ایم. سپس با تشخیص شرایط ضروری در صحت وصیت با تطبیق شرایط مذکور بر اشخاص حقوقی از مسائل و احکام متناظر با وصیت بر اشخاص حقوقی نگاشته‌ایم. در نهایت با تشخیص صلاحیت اشخاص حقوقی برای وجدان شرایط لازم برای تملک به موجب وصیت و تصدی وصایت به ذکر احکام قبول وصیت توسط اشخاص حقوقی و آثار ناشی از آن پرداخته‌ایم.

کلمات کلیدی: شخص حقوقی، وصی، موصی‌له، اهلیت

فهرست اجمالی

مقدمه.....	۱
۱ فصل اول: مفاهیم بنیادین و مبانی.....	۹
۱,۱ وصیت.....	۹
تعریف وصیت	۱۰
اقسام وصیت	۱۲
پیشینه‌ی وصیت	۱۳
ماهیت وصیت	۱۴
ارکان وصیت	۱۷
۱,۲ شخص حقوقی.....	۲۰
تعریف شخص حقوقی	۲۰
اقسام شخص حقوقی	۲۲
پیشینه‌ی شخص حقوقی	۲۴
ماهیت شخص حقوقی	۲۵
اهلیت شخص حقوقی	۲۷
۲ فصل دوم: شرایط وصیت بر شخص حقوقی.....	۴۰
۲,۱ شرایط موصی‌له در وصیت تملیکی.....	۴۰
وجود	۴۰
اهلیت	۴۳
اسلام	۵۰
تابعیت	۵۱
زمان معتبر در وجود شرایط	۵۴
ضمانت اجرای فقدان شرایط	۵۵
۲,۲ شرایط وصی در وصیت عهدی.....	۵۶
وجود	۵۶
اهلیت	۵۷

۶۲	اسلام
۶۴	عدالت
۶۶	امانت
۶۸	ذکوریت
۶۸	قدرت و کفایت
۶۹	تابعیت
۷۰	زمان معتبر در وجود شرایط
۷۰	ضمانت اجرای فقدان شرایط
۷۲	فصل سوم: احکام قبول وصیت و آثار آن در اشخاص حقوقی.....
۷۲	۳,۱ قبول و رد وصیت در اشخاص حقوقی.....
۷۲	الف) نحوه قبول و رد وصیت تملیکی توسط اشخاص حقوقی
۷۶	ب) نحوه قبول و رد وصیت عهدی توسط اشخاص حقوقی
۸۰	۱,۲ آثار وصیت بر شخص حقوقی.....
۸۱	الف) آثار وصیت تملیکی بر اشخاص حقوقی
۸۴	ب) آثار وصیت عهدی بر اشخاص حقوقی
۹۰	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۹۵	فهرست منابع.....

فهرست تفصیلی

۱	مقدمه.....
۲	بیان مسئله.....
۳	اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۵	سؤالات تحقیق.....
۵	فرضیات تحقیق.....
۶	پیشینه‌ی بحث.....
۷	روش تحقیق.....
۸	ساماندهی تحقیق.....
۹	۱ فصل اول: مفاهیم بنیادین و مبانی.....
۹	۱,۱ وصیت.....
۱۰	تعریف وصیت
۱۰	تعریف لغوی
۱۱	تعریف اصطلاحی
۱۲	اقسام وصیت
۱۲	۱. وصیت تملیکی
۱۲	۲. وصیت عهدی
۱۲	۳. وصیت فکی
۱۳	پیشینه‌ی وصیت
۱۴	ماهیت وصیت
۱۵	الف) ماهیت حقوقی «وصیت تملیکی»
۱۶	ب) ماهیت حقوقی «وصیت عهدی»
۱۷	ارکان وصیت
۱۷	الف) ارکان وصیت تملیکی
۱۷	۱. موصی
۱۸	۲. موصی‌به
۱۸	۳. موصی‌له

۱۸	ب) ارکان وصیت عهدی
۱۸	۱. موصی
۱۸	۲. موصی به
۱۹	۳. وصی
۱۹	۴. ناظر
۲۰	۱,۱ شخص حقوقی.....
۲۱	تعریف شخص حقوقی
۲۱	تعریف لغوی
۲۱	تعریف اصطلاحی
۲۱	اقسام شخص حقوقی
۲۲	الف) اشخاص حقوقی حقوق عمومی
۲۲	ب) اشخاص حقوقی حقوق خصوصی
۲۲	۱. شرکت‌های تجاری
۲۳	۲. مؤسسات غیرتجاری
۲۳	الف- مؤسسات انتفاعی
۲۳	ب- مؤسسات غیرانتفاعی
۲۳	ج- موقوفات
۲۴	پیشینه‌ی شخص حقوقی
۲۵	ماهیت شخص حقوقی
۲۶	۱. نظریه نفی شخصیت حقوقی
۲۶	۲. نظریه وجود فرضی
۲۶	۳. نظریه وجود واقعی
۲۶	جمع‌بندی ماهیت اشخاص حقوقی
۲۷	اهلیت شخص حقوقی
۲۷	تعریف اهلیت
۲۸	اقسام اهلیت
۲۸	مبانی پذیرش اهلیت در اشخاص حقوقی
۲۸	الف) استنادات قانونی

۲۹	ب) استنادات فقهی
۳۲	۱- سیره‌ی متشرعه
۳۲	۲- عدم ردع شارع
۳۲	۳- اطلاق و عموم «احلّ الله البيع» و «اوفوا بالعقود»
۳۳	۴- فرض ذمه برای عناوین غیرانسانی در فقه
۳۳	۵- تمسک به ادله‌ی ولایت فقیه
۳۳	۶- صحت وصیت تملیکی بر جهات عامه و غیر محصور
۳۳	زمان معتبر در اهلیت اشخاص حقوقی
۳۳	الف) آغاز اهلیت در اشخاص حقوقی
۳۵	ب) پایان اهلیت در شخصیت حقوقی
۳۶	ج) گستره‌ی اهلیت در اشخاص حقوقی
۳۶	• عدم اهلیت اشخاص حقوقی نسبت به حقوق مختص انسان
۳۷	• اهلیت اشخاص حقوقی نسبت به امور خارج از موضوع اساسنامه
۳۸	• محدودیت اهلیت اشخاص حقوقی در حال تصفیه
۳۹	۲ فصل دوم: شرایط وصیت بر شخص حقوقی.....
۳۹	۲,۱ شرایط موصی له در وصیت تملیکی.....
۳۹	وجود
۴۱	مسائل ناشی از شرط وجود
۴۱	۱. وصیت بر شخص حقوقی در حال تشکیل
۴۱	۲. وصیت بر شخص حقوقی ثبت نشده
۴۲	۳. وصیت بر شخص حقوقی منحل شده
۴۲	اهلیت
۴۵	حریت
۴۵	مسائل ناشی از شرط اهلیت
۴۶	۱. وصیت بر شخص حقوقی خارج از حدود اساسنامه یا قانون موجب تأسیس
۴۷	۲. وصیت بر شخص حقوقی به اعتبار اعضاء
۴۸	۳. وصیت بر شخص حقوقی در حال تصفیه
۴۹	اسلام

۵۰	تابعیت
۵۳	زمان معتبر در وجود شرایط
۵۴	ضمانت اجرای فقدان شرایط
۵۵	۲,۲ شرایط وصی در وصیت عهدی.....
۵۵	وجود
۵۶	اهلیت
۵۷	حریت
۵۷	مصادیق فقدان اهلیت شخص حقوقی در اقسام وصایا
۵۷	۱. وصایت شخص حقوقی در امور صغار
۵۸	۲. وصایت شخص حقوقی در اعمال عبادی
۵۹	مسائل ناشی از شرط اهلیت
۵۹	۱. وصیت بر شخص حقوقی به اعتبار اعضاء
۶۱	۲. وصیت بر شخص حقوقی خارج از حدود اساسنامه یا قانون موجب تأسیس
۶۱	۳. منع اساسنامه شخص حقوقی (وصی) پس از وصیت
۶۱	اسلام
۶۲	عدالت
۶۴	امانت
۶۶	ذکوریت
۶۷	قدرت و کفایت
۶۸	تابعیت
۶۸	زمان معتبر در وجود شرایط
۶۹	ضمانت اجرای فقدان شرایط
۷۰	۳ فصل سوم: احکام قبول وصیت و آثار آن در اشخاص حقوقی.....
۷۱	۳,۱ قبول و رد وصیت در اشخاص حقوقی.....
۷۱	الف) نحوه قبول و رد وصیت تملیکی توسط اشخاص حقوقی
۷۲	انحلال شخص حقوقی به عنوان موصی له و انتقال قبول و ردّ به ذی نفعان
۷۶	ب) نحوه قبول و رد وصیت عهدی توسط اشخاص حقوقی
۷۸	انحلال شخص حقوقی به عنوان وصی و انتقال قبول و ردّ به ذی نفعان

۷۸	قبول در وقف بر شخص حقوقی به موجب وصیت
۷۹	۳,۲ آثار وصیت بر شخص حقوقی.....
۸۰	الف) آثار وصیت تملیکی بر اشخاص حقوقی
۸۰	انتقال مالکیت موصی به
۸۳	عدم امکان رد پس از قبول
۸۳	لزوم تسلیم موصی به
۸۳	ب) آثار وصیت عهدی بر اشخاص حقوقی
۸۴	ایجاد تعهد
۸۴	جواز تصرفات وصی
۸۴	الزام به اجرای تعهدات
۸۵	ضمانت اجرای انجام تعهدات
۸۶	مسئولیت مدنی شخص حقوقی در اجرای وصیت
۸۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۹۴	فهرست منابع.....

مقدمه

«شخصیت حقوقی» از جمله مفاهیمی است که همچون سایر مفاهیم علم حقوق مبتنی بر ادراکات اعتباری ذهن بشر و به منظور رفع دسته‌ای از احتیاجات حیات او تکوین یافته و بر این اساس جنبه‌ی اعتباری دارد. به طور کلی عمده‌ی مفاهیم حقوقی با نیازهای اجتماعی بشر پیوند خورده و در نسبت با این نیازها در ظرف اجتماع معنا می‌یابد؛ البته این بدان معنا نیست که اذهان بشری از پیش خود به ابداع و اختراع این مفاهیم پرداخته باشند و قطعاً قوای ادراکی چنین قابلیت‌ی ندارد؛ بلکه این اعتباریات محصول اتصال قوه‌ی مدرکه با یک واقعیت است و فعالیت‌ی که ذهن از خود نشان می‌دهد عبارت است از انواع تصرفاتی که در آن تصویرها می‌نماید؛ از قبیل حکم و تجرید و تعمیم و تجزیه و ترکیب و انتزاع. بر همین اساس با تغییر نیازهای بشری دچار تحول است و همگام با تکامل بشریت و نیازهای او یک سیر تکاملی و نشو و ارتقاء را طی می‌کند.^۱ این نسبت موجب می‌شود تا با گذر زمان و تحول نیازها در مسیر تلاش بشر برای بقا و کمال‌جویی، برخی گزاره‌های حقوقی اعتبار خود را ازدست‌داده و برخی عناوین دیگر جایگزین آن‌ها شود، یا مفهوم آن‌ها توسعه یابد و یا در پیوند با یکدیگر موجب تأسیسات جدیدی گردند تا همگام با اقتضات زمانه، حیات خود را حفظ کنند.

در مسیر تحولات فکر بشری، دنیای امروز ما بر محور نوعی از شناخت شکل‌گرفته است که متأثر از عواملی همچون محیط و تجربه، گروه جدیدی از نیازمندی‌ها و ارزش‌ها طرح می‌شود که انسان‌ها با به‌کارگیری نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و ... درصدد تأمین آن‌ها هستند. بر این مبنا، هر یک از اجزاء این نظامات به نحوی اولویت‌بندی شده و توسعه می‌یابد که نیازهای مرتبط با اهداف بشر را تأمین کند. از جمله در «حقوق» به‌عنوان علمی که عهده‌دار تبیین حقوق و تکالیف افراد در زندگی فردی و اجتماعی است و به تنظیم روابط اشخاص باهدف صیانت از حق و تضمین اجرای تکالیف می‌پردازد؛ مطلبی مورد اقبال قرار می‌گیرد که در پیوند با آن محور شناختی باشد و نیازهای دارای اولویت در جامعه‌ی انسانی را به بهترین شکل پاسخ‌گو باشد. به همین دلیل اگر مطلبی ارائه شود که پیوندش با این دستگاه اندیشه‌ای محل ابهام باشد و یا بر آن مبنا فاقد اولویت باشد، در ضرورت بحث از آن اشکال می‌شود و به‌عنوان جزئی منفصل از سایر ارکان شناخته می‌شود که فاقد معناست. لذا پیش از ارائه‌ی هر طرحی نیازمند استناداتی هستیم که ترتیب و شیوه‌ی ارتباط آن با سایر اجزاء و نظامات را تحلیل کرده و توضیح دهد؛ بنابراین ابتدا به بیان مسئله، اهمیت و ضرورت انجام تحقیق حاضر پرداخته‌ایم.

۱. ر.ک: طباطبائی، ج ۲؛ مطهری، ۶/۳۹۴ به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۹

بیان مسئله

مراد از «وصیت بر اشخاص حقوقی» آن است که به موجب وصیتی تملیکی، مالی برای شخص حقوقی تملیک شود و یا در وصیتی عهدی، شخص حقوقی را مکلف بر انجام تعهداتی بدانیم و عنوان «وصی» به آن دهیم. این مسئله با توجه به آنکه اشخاص حقوقی ماهیتی مستقل و مجزا از اشخاص حقیقی دارند، احکام و آثار متفاوتی می‌تواند داشته باشد و آنچه از احکام درباره‌ی اوصاف و شرایط «موصی‌له» در وصیت تملیکی و «وصی» در وصایای عهدی گفته‌شده، نیازمند بررسی است تا بتوانیم متناسب با ماهیت و اوصاف «شخص حقوقی» به بیان احکام قابل طرح درباره‌ی آن پردازیم.

به عنوان نمونه چنانچه فردی ثلث اموال خود را برای شخصی حقوقی مانند مسجد، مدرسه، مؤسسه خیریه و ... وصیت نماید یا آنکه شرکت یا مؤسسه‌ای را به عنوان وصی مأمور بر اجرای اموری در دوران بعد از حیات خود نماید، این سوال طرح می‌شود که آیا شخص حقوقی می‌تواند به موجب وصیت مالک شود یا در مورد وصایای عهدی، آیا وصایت شخص حقوقی صحیح است؟

به عبارت دیگر برای اثبات صحت وصایت اشخاص حقوقی و همچنین تملک این دسته از اشخاص به موجب وصیت نیازمند بررسی موجودیت، اهلیت و همچنین محدوده‌ی اهلیت آن‌ها هستیم. بدین طریق چنانچه اشخاص حقوقی را موجود و واجد اهلیت و سایر شرایط لازم در صحت وصیت دانستیم امکان وصیت بر ایشان متصور خواهد بود و در صورتی که اشخاص حقوقی را فاقد شرایط مذکور بدانیم به تبع، وصایای صورت گرفته برای آن‌ها نیز باطل خواهد بود یا چنانچه اهلیت اشخاص حقوقی را محدود به موارد خاصی همچون آنچه در اساسنامه تصریح شده است بدانیم، امکان وصایت آن‌ها جز در موارد مذکور در اساسنامه مقدور نخواهد بود و حکم بر بطلان دیگر وصایا می‌شود.

در فرض پذیرش صحت وصیت بر شخص حقوقی، با توجه به ماهیت متفاوت اشخاص حقوقی از اشخاص حقیقی، احکام و آثار حاکم بر چنین وصایایی نیازمند بررسی است. چرا که آنچه در میان احکام فقهی و مواد قانون مدنی در بحث وصیت ذکر شده است اختصاص به اشخاص حقیقی دارد و در بسیاری موارد، ماهیت متفاوت اشخاص حقوقی امکان سرایت احکام اشخاص طبیعی را بر این دسته از اشخاص نمی‌دهد؛ از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به تفاوت در منشاء اهلیت اشخاص حقیقی و حقوقی، تفاوت در آغاز و پایان اهلیت انسان‌ها و اشخاص حقوقی و همچنین فقدان اهلیت اشخاص حقوقی در امور مختص به انسان اشاره کرد که تمام این موارد منجر به تفاوت احکام و آثار وصیت بر شخص حقوقی در فرض پذیرش اصل قضیه است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

تکوین علم حقوق، مبتنی بر نیازهای اجتماع است و با پیشرفت جوامع و تغییر و تبدل این نیازها، علم حقوق نیز رو به رشد و ارتقاء دارد؛ در طول زمان به واسطه‌ی عواملی چون «عرف»، ابداعات علمی و اراده‌ی ملت‌ها و حاکمانشان، برخی تأسیسات حقوقی کارکرد خود را از دست می‌دهند و عناوین دیگری جایگزین آن‌ها می‌شود و بعضی دیگر نیز توسعه می‌یابند؛ تا در تطبیق با اقتضائات زمان، پویایی و حیات خود را حفظ کند. در این میان پیوند نهادهای حقوقی که سابقه‌ی طولانی دارند و اضافه شدن مفهومی بر تأسیسات حقوقی پیشین می‌تواند علاوه بر استفاده از کارکردهای سابق آن‌ها، ظرفیت بیشتری را در راستای هدف این علم ایفاء نماید. بحث از «وصیت» در پیوند با «شخص حقوقی» به‌عنوان دو مفهوم حقوقی گسترده و ریشه‌دار از جمله مسائلی است که گفت‌وگو درباره‌ی آن می‌تواند علاوه بر ترویج این دو نهاد در جامعه، کارکردهای هر دو را ارتقاء دهد، ارزشمندی آن‌ها را نمایان کند و در تأمین نیازها و تقویت پیوند اجتماعی مؤثر واقع شود.

همچنین بررسی این مسئله بدین جهت دارای اهمیت است که تصرفات مجانی و مخصوصاً وصیت از چند جهت کاملاً متمایز از سایر مباحث حقوق مدنی می‌شود و لازم است که با دقت و تفصیل بیشتری قواعد مربوط به آن انشاء شود؛ چراکه علاوه بر این که عدم دقت در این امر ممکن است موجب بروز برخی سوءاستفاده‌ها یا مشکلات گردد، اختصاصاً در موضوع وصیت با احکامی روبرو هستیم که منطبق بر قواعد عمومی در حقوق نیست و از آن متابعت نمی‌کند. لذا ضروری است احکام و شرایط آن به تفصیل در جزئیات بیان شود تا موجب ابهام یا اشکال در مرحله‌ی اجرا نشود. در این راستا در وضع مقررات مربوط به وصیت باید به نظم عمومی و مصالح اجتماعی نیز در عرض منافع فردی و خانوادگی توجه نمود و اجازه نداد که اشخاص شرایطی برخلاف این مصالح در وصایای خود بگنجانند.

بنا بر ملاحظات مزبور در اغلب قوانین جدید به وصیت از نظر تفصیل مطالب و بیان تشریفات آن توجه بیشتری شده است؛ چنانکه ماده ۶۹ در قانون مدنی سوئیس و در حدود ۳۰۰ ماده در قانون مدنی آلمان اختصاص به وصیت دارد. (کاتوزیان، ۱۳۵۱، ص ۲) این در حالی است که مواد قانون مدنی ایران در این موضوع به صورت مختصر و اجمالی است و حتی در رابطه با فروعی از بحث وصیت، سکوت اختیار کرده است؛ درحالی که در فقه شیعی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع در نگارش قانون مدنی به تفصیل از آن‌ها بحث شده است.

این اختصار در تشریح احکام و شرایط وصیت، به سبب عدم شمول نسبت به برخی فروعی که در جریان اجرای وصایا با آن مواجه هستیم، از نظر قضائی نیز موجب سردرگمی و ایجاد مشکلاتی خواهد بود.

چنانچه به اذعان صاحب نظران، رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با موضوع وصیت، دارای پیچیدگی و ابهاماتی در فرایند دادرسی و صدور حکم است و به همین جهت از جمله انواع دشوار در پرونده‌های قضائی شناخته می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۵۱)

از سوی دیگر نظم هر جامعه ایجاب می‌کند که وضعیت حقوقی هر فرد، از لحاظ مقدار دارایی‌ها و مطالبات، بعد از فوت نیز کاملاً مشخص و معین باشد تا بدین وسیله از پیدایش اختلافات در میان ورثه یا در میان ورثه و اشخاص ثالث جلوگیری نموده یا حداقل به ارائه راه‌حلی برای اتمام اختلافات بپردازد؛ به نحوی که تأمین‌کننده عدالت و موجب تحکیم مودت در اجتماع گردد. علاوه بر این که لازم است نظامی برای حمایت از افراد آسیب‌پذیر از جمله محجورین در نظر گرفته شود تا به موجب آن، حقوق این دسته از اشخاص تأمین شده و به واسطه‌ی آن، آسودگی خاطری برای افراد اجتماع ایجاد شود و نگرانی کمتری برای سرنوشت خانواده و مرتب‌نشان پس از مرگ داشته باشند. همچنین افراد نسبت به تصمیمات و دغدغه‌های خود در رابطه با اقداماتی که به واسطه اتمام فرصت حیات دیگر امکان اجرایی‌سازی را ندارند یا به دلایلی رسیدگی به آن را موکول به زمان پس از حیاتشان کرده‌اند، اطمینان خاطر یابند که به واسطه‌ی ابهام یا اختلال در مسائل حقوقی و قانونی دچار مشکل نمی‌شود.

آنچه بر ضرورت طرح این بحث می‌افزاید آن است که به مقدار اطلاع ما پیش‌ازین در حقوق ایران با تفصیل به مسئله «وصیت بر اشخاص حقوقی»، مبانی و احکام متناظر به آن نپرداخته‌اند و آنچه از قرائن معلوم است، قانون‌گذار مدنی توجهی به این امر نداشته است و در بیان احکام وصیت فقط به اشخاص حقیقی نظر داشته است. این در حالی است که با توجه به تحولات دوران حاضر و افزایش اهمیت و جایگاه اشخاص حقوقی در معادلات اجتماعی و اقتصادی، گفت‌وگو پیرامون این مسئله منافع و آثاری را به همراه خواهد داشت. البته برخی از حقوق‌دانان در آثار خود در موضوع وصیت قائل به جواز وصیت بر اشخاص حقوقی هستند و به صورت اجمالی بدان اشاره کرده‌اند اما هیچ‌یک به احکام و مسائل اختصاصی این دسته از اشخاص نپرداخته‌اند.

در مجموع با توجه به آنچه درباره‌ی اهمیت نهاد وصیت و خلأهای موجود در قانون‌گذاری و دکترین حقوقی وجود دارد، پرداختن به گفت‌وگوی بیشتر در رابطه با آن می‌تواند در تأمین مصالح و منافع فردی و اجتماعی مؤثر واقع شود؛ از جمله موجب ترغیب بیشتر افراد در تمایل به انجام وصیت، حفظ حقوق ذینفعان وصایا و همچنین حل مشکلات و ابهامات در رسیدگی به پرونده‌های تشکیل شده به واسطه‌ی اختلاف در موضوع وصیت شود. مضاف بر اینکه «وصیت بر اشخاص حقوقی» از منظر کارکردهای فردی و اجتماعی نیز

فواید قابل توجهی می‌تواند داشته باشد که در جمع بندی نهایی به‌اختصار به آن اشاره کرده‌ایم. امید است که چنین تلاشی برای پاسخ به مسائل جدید حقوقی موفق بوده باشد و در جهت تقویت کارکرد نهادهای حقوقی در تأمین نیازهای اجتماع مؤثر باشد.

بدیهی است برای پاسخ به این مسئله و بیان احکام و شرایط مرتبط با آن در نظام حقوقی ایران، آگاهی از مبانی و اصول فقه اسلامی ضروری است. در کنار آن، مراجعه به تجربیات و آثار سایر مکاتب حقوقی پیرامون مفهوم «شخصیت حقوقی» می‌تواند راهگشا باشد.

سؤالات تحقیق

- ۱- آیا وصیت بر شخص حقوقی جایز است؟ آیا این جواز مطلق است یا دارای محدودیت‌هایی است؟
- ۲- چه شرایط و احکامی در وصیت بر اشخاص حقوقی حاکم است؟
- ۳- وصیت بر شخص حقوقی چه آثاری دارد؟

فرضیات تحقیق

تملك اشخاص حقوقی به موجب وصیت و همچنین وصایت ایشان در وصایای عهدی جایز است. تملك اشخاص حقوقی به موجب وصیت فاقد محدودیت است. لکن وصایت آن‌ها در انجام وصایای عهدی به واسطه ماهیت متفاوت این دسته از اشخاص از اشخاص طبیعی و تفاوت در اهلیت، با محدودیت‌هایی روبرو است.

عمده‌ی شرایط و احکام عام وصیت در مورد اشخاص حقوقی نیز جاری است. اما در برخی موارد استثنائات و تفاوت‌هایی در شرایط و احکام وصیت بر اشخاص حقوقی وجود دارد. چنین وصیتی تفاوتی از حیث آثار با وصایای صورت گرفته بر اشخاص حقیقی ندارد.

پیشینه‌ی بحث

مرور قانون مدنی نشان از توجه اندک قانون‌گذار به احکام اشخاص حقوقی است. از جمله آنچه در باب وصیت در رابطه با اوصاف موصی له و وصی گفته شده است، نظر به اشخاص حقیقی داشته است. مضاف بر اینکه در برخی مسائل وصیت نیز سکوت اختیار کرده است. در حالی که در آثار فقهی به عنوان منبع اصلی در نگارش قانون مدنی به آن‌ها پرداخته شده است. آنچه از تألیفات فقهی نیز که به مسئله‌ی وصیت پرداخته‌اند همچون قانون مدنی در بیان احکام وصیت به اشخاص حقیقی توجه داشته‌اند. مضاف بر اینکه برخی فقها همچون آیت‌الله خوئی اشخاص حقوقی را فاقد اعتبار و اهلیت دانسته‌اند و آنچه از اموال به آن‌ها نسبت داده شده است را مجهول‌المالک می‌دانند. (موسوی خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، المصارف و البنوک، مسئله ۳) به تبع با چنین مبنایی نمی‌توان توقع داشت که به بحث از وصیت در تناظر با اشخاص حقوقی پرداخته شود.

در مقابل گروه دیگری از فقها همچون امام خمینی رحمه الله علیه در تحریر الوسیله اهلیت اشخاص حقوقی را پذیرفته‌اند. با این اوصاف، اگر چه تصریحی در میان آثار فقهی مبنی بر صحت وصیت بر اشخاص حقوقی و احکام آن نشده است، لکن با پذیرش اهلیت اشخاص حقوقی بحث از وصایت اشخاص حقوقی و همچنین تملک آن‌ها به موجب وصیت امکان‌پذیر خواهد بود و چنانچه برخی حقوقدانان (صفار، ۱۳۹۵) متذکر شده‌اند آنچه در مورد «وصیت بر جهت» در قانون مدنی و آثار فقهی ذکر شده است را می‌توان به عنوان مصداقی برای پذیرش این امر در فقه و قانون ایران دانست.

در میان حقوقدانان نیز عمده‌ی مؤلفین، در تحقق ارکان وصیت، بحث از اشخاص حقیقی نموده‌اند و به جز اشاره مختصری در مورد امکان وصایت شخص حقوقی مطلبی بیان نشده است و ایشان نیز بیان تفصیلی درباره‌ی مبانی، احکام و آثار آن نداشته‌اند. عمده‌ی تألیفات حقوقی که نظر به جواز وصیت بر شخص حقوقی و همچنین وصایت این دسته از اشخاص کرده‌اند، استنادی به ریشه‌های فقهی مسئله نداشته و برای اثبات بیان خود در این مسئله تنها به مواد قانونی همچون ماده‌ی ۵۸۸ قانون تجارت استناد کرده‌اند که مستنبط از فقه نیز نگاشته نشده است. مضاف بر اینکه، اتفاق نظری راجع به شرایط تحقق آن نیز وجود ندارد. به عنوان نمونه؛ برخی از جمله دکتر موسی عمید در صفحه‌ی ۱۴۸ کتاب تقریرات وصیت خود، تنها در صورتی وصایت شخص حقوقی را جایز دانسته‌اند که به واسطه‌ی تصریح اساسنامه یا قانون موجب تأسیس، مجاز شمرده شود و در مقابل، بعضی دیگر از جمله مرحوم دکتر کاتوزیان در کتاب «وصیت در حقوق مدنی ایران» و مرحوم دکتر جعفری لنگرودی در صفحه ۳۱۶ کتاب خود با عنوان «وصیت» مستند به ماده ۵۸۸ قانون تجارت، اهلیت شخص حقوقی را عام دانسته‌اند و در صورت عدم منع قانونی یا اساسنامه‌ای، محدودیتی برای وصایت شخص حقوقی قائل نیستند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ص ۳۱۶؛ کاتوزیان، ۱۳۵۱)

این اختلاف ناشی از تفاوت رویکرد مؤلفان درباره‌ی ماهیت شخص حقوقی؛ یعنی فرضی یا واقعی بودن آن است. آن‌ها که ماهیتی واقعی برای اشخاص حقوقی در نظر داشته‌اند، بر این مبنا تشکیل شخص حقوقی و اعتبار اهلیت برای آن را خارج از اراده‌ی قانون‌گذار دانسته‌اند و مقصود مخالفان ایشان از فرضی بودن اشخاص حقوقی آن است که تشکیل شخصیت حقوقی محصول اراده‌ی قانون‌گذار است و به تبع حقوق و تکالیف این دسته از اشخاص نیز مقید به همان است که قانون‌گذار حکم می‌کند. لذا عام دانستن اهلیت اشخاص حقوقی به استناد ماده‌ی ۵۸۸ ق.م.را محل اشکال قرار داده‌اند. با این اوصاف علاوه بر اینکه ابهام در صحت وصیت بر اشخاص حقوقی باقی می‌ماند، در فرض پذیرش صحت چنین وصیتی محدوددهی اهلیت اشخاص حقوقی نیز روشن نیست و به بسیاری از فروعی که در رابطه با اشخاص حقوقی که مورد وصیت قرار گرفته‌اند پرداخته نشده است.

بر این اساس، در فرصت پیش رو علاوه بر تحلیل و تبیین مبانی فقهی حقوقی مسئله، به سایر مسائل مغفول در این موضوع خواهیم پرداخت؛ یعنی ضمن تبیین مبانی تحقق وصایت اشخاص حقوقی و تعیین محدوددهی آن، به تطبیق شرایط عام برای صحت امر وصایت مانند موجودیت، اهلیت، اسلام، استطاعت وصی و ... بر اشخاص حقوقی و بحث از احکام و شرایط اختصاصی آن مانند لزوم ثبت، رابطه‌ی اهلیت و اساسنامه و برخی مسائل اختصاصی در صحت و بطلان وصیت بر اشخاص حقوقی و الزامات آن، اثر وصیت در حال حیات اشخاص حقوقی مانند وضعیت تملک موصی به، تخلف از وصیت، قبول و رد وصیت توسط شخص حقوقی و همچنین آثار وصیت در دوران پس از حیات شخص حقوقی از جمله در وضعیت انحلال یا ورشکستگی شرکت در زمان فوت موصی حقوقی خواهیم پرداخت.

روش تحقیق

تحقیق در پردازش این اثر، مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و عمدتاً با استفاده از منابع فقهی و حقوقی فارسی و عربی صورت گرفته است و علاوه بر بررسی اقوال و نظرات با رویکردی تحلیلی و انتقادی به تشریح مطالب پرداخته‌ایم. با توجه به جنبه‌های جدید اثر تلاش شده است تا با تکیه بر مبانی، فروض مختلف مسئله بررسی شده و با استفاده از ادله‌ی فقهی و حقوقی و استناد به آراء اندیشمندان، به احکام و آثار ناشی از مسائل پرداخته شود، لذا می‌توان گفت مکتوبات این مقاله جنبه‌ی اکتشافی دارد. در نگارش مطالب علاوه بر دقت‌های نظری، تلاش شده است تا به جنبه‌ی کاربردی مسائل نیز توجه شود.

در نگارش مطالب، تمرکز بر مسائل اشخاص حقوقی در وصیت بوده است. اصل را بر اختصار و اجتناب از زوائد گذاشته‌ایم، مقید بر اینکه موجب ابهام و اشکال در دلالت کلام نشود. لذا از بیان کلیات پرهیز کرده‌ایم و آنچه از احکام که اختصاص به اشخاص حقیقی داشته است یا ناظر به «موصی» یا «موصی‌به» بوده است را نیز بیان نکرده‌ایم؛ مگر آنچه به‌عنوان مقدمه برای تبیین مطالب خود به آن نیازمند بوده‌ایم و یا برای بیان احکام اشخاص حقوقی به آن استناد و استدلال کرده‌ایم.

در فروض جدیدی که متناظر با اشخاص حقوقی ذکر شده است، تلاش نموده‌ایم از بیان کلی و بدون استناد و استدلال یا ارائه استدلال‌های ذوقی اجتناب نموده و مبتنی بر منابع فقهی و حقوقی به آن‌ها پردازیم.

ساماندهی تحقیق

در تحقیق پیش‌رو مطابق شیوه‌ی مرسوم ابتدا به شرح مبانی و مفاهیم بنیادین در موضوع بحث خود پرداخته‌ایم. پس از آن به بررسی شرایط و اوصاف لازم در شخص حقوقی در تصدی سمت وصایت یا تملک به موجب وصیت پرداخته‌ایم و در فصل سوم به بیان احکام قبول وصیت و اثر وصیت بر اشخاص حقوقی از جمله آنچه ناشی از شرایط صحت وصیت بوده است، پرداخته‌ایم. به منظور دسته‌بندی و نظم در ارائه مباحث، مسائل هر فصل را به تفکیک اقسام وصیت، در دو بخش وصیت تملیکی و وصیت عهدی بیان کرده‌ایم.